

ORIGINAL ARTICLE**Analyzing the Relationship between Functional Form and Social Interactions in Urban Spaces (Case Study: Shiraz City)****Mohammadmahdi Sharifinia¹, Mohammad Hosseinpour² , Ali Soltani³ **

1. M.Sc. in Urban Planning, University of Shiraz, Shiraz, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Urbanism, University of Shiraz, Shiraz, Iran.
3. Professor, Department of Urbanism, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

Correspondence
Mohammad Hosseinpour
Email: Hosseinpourm2021@gmail.com

Received: 28/Dec/2024
Accepted: 26/Mar/2025

How to cite

Sharifinia, M.; Hosseinpour, M.; Soltani, A. (2024). Analyzing the Relationship between Functional Form and Social Interactions in Urban Spaces (Case Study: Shiraz City), *Physical Social Planning*, 9 (4), 36, 59-68.
(DOI: [10.30473/psp.2025.73093.2751](https://doi.org/10.30473/psp.2025.73093.2751))

ABSTRACT

Social interactions are a significant indicator of citizens' quality of life, health, well-being, and happiness, and their social satisfaction leads to life satisfaction. Currently, it is believed that the level of social interactions in cities has decreased in recent years, and this issue has negatively affected the physical and mental health of citizens. Therefore, urban planners and designers are compelled to provide solutions to improve this situation. On the other hand, the physical structure of cities acts as a platform for social activities and has a direct relationship with the social life of citizens. In line with the mentioned factors, the present study aims to investigate the relationship between the physical and spatial structure of the city and the level of social interactions among its residents. In this research, indicators have been used to evaluate the two main criteria: the physical structure of urban neighborhoods and social interactions. ArcGIS Pro software analyzes the physical structure of neighborhoods based on density, land-use mix, access to essential services, and access to public transportation stations. To measure the level of social interaction among residents, questionnaires were collected and analyzed using SPSS software, and finally, the relationship between these two criteria and their impact on each other was examined. The results of these analyses and the investigations conducted on the considered indicators show a positive correlation between social interactions and the indicators of density and access to public transportation, and no significant correlation with other indicators of the physical structure.

Keywords: Physical Structure, Urban Neighborhoods, Urban Areas, Social Interactions, Shiraz.



«مقاله پژوهشی»

تحلیل رابطه فرم عملکردی و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری (مورد مطالعه: شهر شیراز)

محمد مهدی شریفی نیا^۱، محمد حسین پور^۲، علی سلطانی^۳

چکیده

تعاملات اجتماعی شاخص مهمی از کیفیت زندگی، سلامت، رفاه و خوشبختی شهروندان است و رضایت اجتماعی آن‌ها، رضایت از زندگی را به دنبال دارد. در حال حاضر اعتقاد بر این است که میزان تعاملات اجتماعی در شهرها در سال‌های اخیر کاهش یافته است و این موضوع بر سلامت جسمی و روانی شهروندان تأثیر منفی گذاشته است، بنابراین برنامه‌ریزان و طراحان شهری مجبور به ارائه راهکارهایی در جهت بهبود این وضعیت هستند. از سوی دیگر، این ساختار فیزیکی شهرها هستند که به عنوان بستری برای فعالیت‌های اجتماعی عمل می‌کنند و ارتباط مستقیمی با زندگی اجتماعی شهروندان دارند. در راستای عوامل مطرح شده، پژوهش حاضر هدف بررسی رابطه ساختار فیزیکی و کالبدی شهر با میزان تعاملات اجتماعی ساکنان آن را دنبال می‌کند. در این پژوهش از شاخص‌هایی برای ارزیابی دو معیار اصلی ساختار کالبدی محله‌های شهری و تعاملات اجتماعی استفاده شده است. نرم افزار GIS pro ساختار فیزیکی محله‌ها را بر اساس تراکم، ترکیب کاربری زمین، دسترسی به خدمات اصلی و دسترسی به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی مورد بررسی قرار می‌دهد. برای سنجش میزان تعامل اجتماعی ساکنین، پرسشنامه‌هایی جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت رابطه این دو معیار و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر بررسی شد. نتایج این تحلیل‌ها و بررسی‌های صورت گرفته بر روی شاخص‌های موردنظر، نشان دهنده همبستگی مثبت تعاملات اجتماعی با شاخص‌های تراکم و دسترسی به حمل و نقل عمومی است و با دیگر شاخص‌های ساختار کالبدی همبستگی معناداری ندارد.

واژه‌های کلیدی

ساختار کالبدی، محلات شهری، مناطق شهری، تعاملات اجتماعی، شیراز.

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
۳. استاد گروه شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

نویسنده مسئول: محمد حسین پور

رایانامه: Hosseinpourm2021@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

استناد به این مقاله:

شریفی نیا، محمد مهدی؛ حسین پور، محمد؛ سلطانی، علی (۱۴۰۳). تحلیل رابطه فرم عملکردی و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری (مورد مطالعه: شهر شیراز)، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۹ (۴)، ۳۶-۵۹-۶۸.

(DOI: 10.30473/psp.2025.73093.2751)



مقدمه

انسان‌ها در آشفتگی موجود شهرهای امروز، به دنبال عرصه‌هایی با هویت‌های خاص می‌گردند تا مضاف بر تأمین آسایش و تعامل با هم‌نوعان، در بستر پویایی اجتماعی به کمال متعالی خود نیز برسند. رشد بیش از اندازه ابعاد شهرنشینی و مقیاس جدیدی از رشد شهری که در طی دهه‌های اخیر شکل گرفته، شهر و شهرسازی معاصر را با چالش‌های نو و تازه‌ای همچون افزایش نابهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه کرده است (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳). در نتیجه جغرافیدانان و برنامه‌ریزان شهری در دهه‌های پیشین، در این زمینه معتقد بوده‌اند که شهرها همانطور که موقعیت جغرافیایی و ساختار اقتصادی و سیاسی خاص خود را دارند، به صحنه‌ای از ناسازگاری‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). از آنجایی که زمینه حضور افراد در یک زمان در فضاهای شهری، حرکت است و موجب کاهش انزوای اجتماعی-فضایی در شهر می‌شود (مهری و داودپور، ۱۳۹۸). در این ناسازگاری اجتماعی به وجود آمده، نابسامانی ساختار شبکه ارتباطی و خیابان‌های شهری و عدم توجه به تعاملات اجتماعی در این فضاهای شهری سهم زیادی دارد.

در تحقیقات اخیر علاقه به نقشی که ممکن است محله‌ها در تعاملات اجتماعی ساکنان داشته باشند، بیشتر شده است و اینکه چگونه این تعاملات اجتماعی مثبت و روابط اجتماعی به نوبه خود می‌توانند بر سلامتی ساکنان تأثیر بگذارند (براون و لمبارد، ۲۰۱۴). تعاملات اجتماعی شاخص مهمی برای کیفیت زندگی، سلامتی، رفاه و خوشبختی افراد می‌باشد. تا جایی که رضایت از ارتباطات و تعاملات اجتماعی خود را می‌توان "رضایت اجتماعی" توصیف کرد. این روابط و تعاملات نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جامعه و حتی در سطح منطقه‌ای، ملی یا بین‌المللی مزایایی دارند و قابل تعریف‌اند. این روابط تا جایی اهمیت دارند که افرادی که از روابط اجتماعی و فرصت‌های اجتماعی کنار گذاشته می‌شوند، کمتر از زندگی اجتماعی خود راضی هستند.

شکل شهری به عنوان ساختار فیزیکی یک محله شهری پیش‌شرط کاملاً مهمی برای اطمینان و حفظ نشاط و سرزندگی شهری است. ویژگی‌های فیزیکی یک مکان می‌تواند فرصت‌هایی را برای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کند و بنابراین می‌تواند به تنوع این فعالیت‌ها در داخل محله کمک کند. از طرف دیگر، این ویژگی‌های ساختاری محله همچنین می‌تواند فعالیت‌ها و روابط بالقوه را از بین ببرد یا محدود کند. بنابراین، مؤلفه‌های شکل شهری به عنوان عوامل مؤثر بر نشاط شهری در نظر گرفته می‌شوند. درک و اندازه‌گیری رابطه بین نشاط شهری و شکل شهری کاملاً

قابل‌توجه است و برای ایجاد محیط‌های پایدار باید بررسی شود (اتک، ۲۰۲۰).

فرم کالبدی شهرها به اعتقاد کانزن و اکثر ریخت-شناسان از ترکیب سه عنصر، خیابان، قطعه و ساختمان ایجاد می‌شود (کانزن، ۲۰۰۴). کروف نیز علاوه بر تأکید به سه عنصر یاد شده به‌عنوان «عناصر بنیادین فرم کالبدی» به وجود یک ساختار و ترکیب سلسله مراتبی میان عناصر بر اساس رابطه جزء به کل معتقد است. وی بیان می‌کند که نحوه پیوند میان عناصر تا شکل‌گیری یک کل منسجم، هدف اصلی فرم کالبدی شهر است (کروف، ۲۰۱۴).

سانگ و کنپ (۲۰۰۴) فرم شهری را در پنج معیار طراحی خیابان‌ها و سیستم‌های حرکتی، تراکم، قابلیت دسترسی، اختلاط کاربری زمین و دسترسی پیاده بررسی کردند. در تحقیق دیگری سانگ و کنپ (۲۰۰۷) متغیرهایی برای سنجش کمی فرم شهری در سطح محله در محدوده کلانشهری پرتلند ارائه داده‌اند که ابعادی از جمله طرح شبکه‌های ارتباطی، تراکم، اختلاط کاربری زمین، قابلیت دسترسی به فعالیت‌های تجاری و روش‌های مختلف حمل‌ونقل را شامل می‌شود. ندویک و همکاران (۲۰۰۷) نیز براساس متغیرهای سانگ و کنپ از پنج شاخص طرح شبکه ارتباطی که خود مشتمل بر دو شاخص ارتباط درونی و ارتباط بیرونی است، اختلاط کاربری زمین و تراکم مسکونی و تجاری برای تبیین معیارهای فرم شهری استفاده کردند (باقرنژاد، زبردست و عزیزی، ۱۳۹۹).

با توجه به هرم نیازهای انسانی مازلو (۱۹۵۴) افراد دارای دو دسته احتیاجات هستند، دسته اول نیازهای مادی و جسمانی آن‌ها است که در صورت برطرف شدن نیازهای این دسته، نوع دیگری از نیازها که به بعد روحی و روانی زندگی انسان باز می‌گردد، مطرح می‌شود. بر همین اساس یکی از نیازهای فطری شهروندان نیاز به برقراری روابط و تعاملات اجتماعی است؛ بنابراین از تعاملات و روابط اجتماعی هم به عنوان یک نیاز فطری مطرح است و هم وسیله‌ای برای برطرف ساختن نیازهای دیگر انسانی است. به طوری که انسان بدون برقراری روابط اجتماعی قادر به زندگی کردن نیست (عباس زاده و تمری، ۱۳۹۱).

تعامل اجتماعی را به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر و بیشتر که واکنش بین آن‌ها را در پی دارد و این نوع واکنش برای هر دو طرف رابطه شناخته شده است، تعریف کرده‌اند؛ بنابراین بنا به این تعریف، روابط بدون معنای خاص در محدوده تعاملات اجتماعی قرار نمی‌گیرند. همچنین در تعریف دیگری از این مقوله، تعاملات و ارتباطات اجتماعی می‌توانند به شکل فیزیکی (حتی یک نگاه)، یک مکالمه دو یا چند

طرفه باشد که با توجه به نقش‌پذیری مردم در محیط اطراف خود و نیز عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختص خود، مشخص می‌گردد (پاک‌نهاد و پژوهان فر، ۱۳۹۶). بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که انواع کنش‌های متقابل اجتماعی به دو گروه ارتباطات غیر کلامی (زبان بدن) و ارتباطات کلامی تقسیم می‌شوند (حسن پور، امیدواری و صدر ارحامی، ۱۳۹۷).

تعاملات اجتماعی به اشکال خاصی از عوامل خارجی اشاره دارد که در آن اقدامات یک گروه بر ترجیحات فرد تأثیر می‌گذارد. گروه مرجع بسته به زمینه، معمولاً خانواده، همسایگان، دوستان یا همسالان یک فرد است. گاهی اوقات تعاملات اجتماعی را تعاملات غیر بازاری می‌نامند تا بر این واقعیت تأکید شود که تنظیم این تعاملات به وسیله مکانیسم قیمت صورت نمی‌گیرد (شاینکمن، ۲۰۰۸).

گافمن نیز دسته‌بندی متفاوت دیگری دارد که دو نوع کنش اجتماعی معرفی می‌کند و در این رابطه، معیارهای دسته‌بندی خود را میزان توجه افراد در کنش اجتماعی به رفتار و حالت یکدیگر معرفی می‌کند. دسته اول را کنش متقابل غیر کانونی می‌نامد و به گفته او هنگامی رخ می‌دهد که افراد، مطلع بودن از حضور یکدیگر را به نمایش می‌گذارند. در این حالت مردم پیوسته در حال برقراری ارتباطات غیر کلامی به صورت زبان بدن هستند. اما در مقابل کنش متقابل کانونی زمانی اتفاق می‌افتد که توجه مستقیم افراد به آنچه دیگران می‌گویند یا انجام می‌دهند، است (علیمردانی، مهدی‌نژاد و افهمی، ۱۳۹۵).

با توجه به اینکه افراد بسیار شاد و سرزنده به داشتن روابط اجتماعی عمیق و کامل گرایش دارند، داینر و سلینگمن (۲۰۰۲) اعتقاد دارند که

"روابط اجتماعی خوب مانند غذا و تنظیم حرارت از نظر جهانی برای خلق و خوی انسان مهم هستند". تعاملات اجتماعی ما را با دیگران ارتباط می‌دهند و مانع از انزوا می‌شوند که ممکن است به تقویت خوشبختی در طول چرخه زندگی کمک کند (فیفر و کلوتیر، ۲۰۱۶). تماس و تعاملات اجتماعی از عوامل مهم در شکل‌گیری رفاه و سعادت کلی افراد است. انزوای اجتماعی با افزایش مرگ و میر و پایین آمدن سطح بهداشت روانی و جسمی مرتبط است. علاوه بر این، تعاملات اجتماعی میان ساکنان یک منطقه شهری برای حفظ نشاط اجتماعی و اقتصادی یک شهر بسیار مهم است؛ بنابراین، نقش محیط شهری در ارتقا یا مهار تعاملات اجتماعی موضوع بحث در ادبیات نظری این بحث بوده است - خصوصاً در رابطه با تراکم محله، محله‌های چندمنظوره و قابل پیاده‌روی (دلمل، هاسلایر و پرینز، ۲۰۱۳).

فضاهای عمومی شهر به دلیل امکان‌دهی به مناسبات اجتماعی و مراودات شهروندی می‌توانند محل و عرصه برخوردها و تعاملاتی باشند که شهروندان در جوار هم قرار می‌دهند. چنین فضاهایی در صورت تعریف درست و مدیریت فضایی می‌توانند نقشی اساسی در کارآمدی این تعاملات و بروز رفتارهای هماهنگ و همگون شهروندی داشته باشند (صدری، بانکیان تبریزی و رفایی افشار قزلباش، ۱۳۹۸). پاکزاد (۱۳۸۹) با تفکیک قائل شدن بین فضای عمومی و فضای شهری، تنها آن دسته از فضاها که قابلیت وقوع تعامل و برقراری تعاملات اجتماعی را دارند در درجه‌ای بالاتر و به‌عنوان فضاهای شهری ارزیابی می‌کند (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳). در جدول ۱ به خلاصه‌ای از نظریات در رابطه با تعاملات اجتماعی می‌پردازیم.

جدول ۱. خلاصه نظریات تعاملات اجتماعی

نظریه پرداز	دوره زمانی	عنوان کتاب/نظریه	مفاهیم مطرح شده
حنا آرنه	۱۹۰۶-۱۹۷۵	شرایط انسانی	دومنا برای فضا؛ فضای حضور در میان دیگران و فضای مابین دیگران
پاول زوکر	۱۸۸۸-۱۹۷۱	شهر و میدان	میدان نه تنها محل تجمع افراد بلکه عامل تبدیل جامعه به اجتماع
جین جیکوبز	۱۹۱۶-۲۰۰۶	مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	فضاهای همگانی عامل ایجاد و تقویت تعاملات اجتماعی
ویلیام وایت	۱۹۱۷-۱۹۹۹	زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک	تأکید بر نقش اجتماعی فضاهای شهری
یان گل	۱۹۳۶	زندگی در میان ساختمان‌ها	سه دسته فعالیت در فضاهای شهری؛ ضروری، انتخابی، اجتماعی
جان لنگ	۱۹۳۸	آفرینش‌های نظری	مطلوبیت تعامل اجتماعی به دلیل رفع نیازهای اجتماعی انسان‌ها

اجتماعی در جامعه شهری انجام می‌شود که این موضوع شامل علوم مختلف معماری، علوم اجتماعی، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری، جغرافی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی می‌شود.

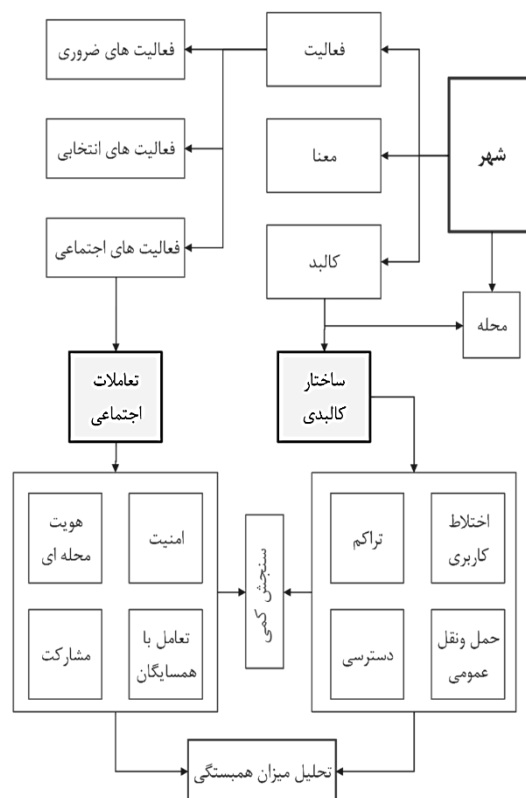
این تحقیق به دو معیار اصلی کالبدی (ساختار کالبدی محلات شهری) و تعاملات اجتماعی تقسیم می‌گردد. در این راستا شاخص‌ها و سنجه‌هایی برای هر دو معیار تدوین می‌شود. شاخص‌ها و سنجه‌هایی که جهت بررسی این دو معیار مورد استفاده قرار می‌گیرند، به تفصیل در جدول ۲ آورده‌ایم.

در این مقاله از پرسش‌نامه و مشاهدات میدانی در جهت شناسایی مؤلفه‌های اصلی ذهنی ساکنان محله تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی و بررسی میزان اثرگذاری ساختار محلات شهری استفاده خواهد شد و داده‌های به دست آمده توسط نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. در جهت فهم و تحلیل بهتر ساختار محلات شهری نیز از دو ابزار زیر کمک می‌گیریم:

- **GIS pro**: استفاده از نرم‌افزار و روش‌هایی از قبیل **network analysis** و ... در جهت انجام تحلیل نقشه‌های محیط محلات شهری (کاربری زمین، تراکم و ...).

- پرسش‌نامه و مصاحبه: جمع‌آوری نظرات و دیدگاه‌های ساکنین این محلات را توسط پرسش‌نامه و مصاحبه به منظور شناسایی، تطبیق و تحلیل ساختار محلات و تشخیص عملکرد هر یک از متغیرهای ساختار محله‌های مورد مطالعه تعداد پرسش‌نامه مورد نیاز جهت انجام این پژوهش، با توجه به جمعیت ۱۵۶۵۵۷۲ نفری کلان‌شهر شیراز طبق آخرین طرح مطالعاتی محله‌بندی شهر شیراز (دفتر برنامه و بودجه: بهمن‌ماه ۱۳۹۶)، حجم جامعه آماری مطابق با جمعیت کل شیراز است و با استفاده از نرم‌افزار **G-Power** ^۱ کل حجم نمونه و مجموع تعداد پرسش‌نامه‌ها جهت انجام این پژوهش، ۲۹۷ عدد محاسبه شد (با ضریب اثر ۰,۰۲ و خطای نوع اول ۰,۰۵). در ادامه نیز با در نظر گرفتن جمعیت محلات و محاسبه نسبت جمعیتی محله‌های مورد مطالعه، اقدام به توزیع نمونه‌ها در محلات کردیم.

در همین راستا این مقاله اهدافی از قبیل: بازشناسی مؤلفه‌های ساختار محله در ارتباط با تعاملات اجتماعی، سنجش میزان تعاملات اجتماعی در ساختار محله‌های مناطق یازده‌گانه شهر شیراز بر اساس متغیرهای به دست‌آمده و همچنین مقایسه تطبیقی اثرات ساختار محله‌های مناطق یازده‌گانه بر تعاملات اجتماعی و ارائه راهبرد و سیاست‌های برنامه‌ریزی در جهت ارتقای تعاملات اجتماعی را دنبال می‌کند. همچنین در این تحقیق، محلات کلانشهر شیراز به عنوان نمونه مطالعاتی در نظر گرفته شده است تا بتوان به یک دید کلی در رابطه با موضوع مورد بررسی دست یافت. این محلات بسته به منطقه آن‌ها (مناطق یازده‌گانه شهر شیراز)، دارای سازمان فضایی و ساختار شبکه ارتباطی متفاوت هستند و می‌توان به نتیجه موردنظر دست یافت. در شکل ۱ مدل مفهومی تحقیق آورده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

داده‌ها و روش کار

این پژوهش از نوع کاربردی است و نیز با استفاده از روش تحلیلی و تطبیقی به بررسی موضوعات موردنظر خواهد پرداخت. در این تحقیق به روش اسنادی (استفاده از مقالات مرتبط) به مرور ادبیات در جهت درک موضوع ساختار محلات شهری و چگونگی اثرات آن بر تعاملات

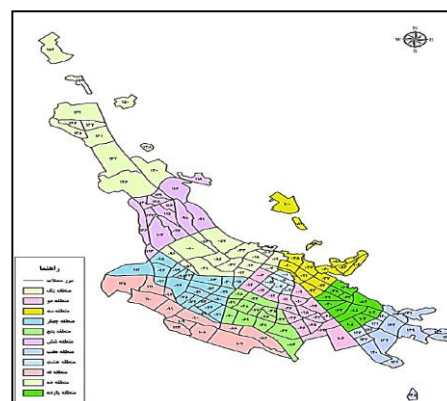
۱. نرم افزار **G-Power** یک ابزار کاربردی برای انجام تحلیل‌های آماری و تعیین حجم نمونه در مطالعات علمی است که محققان می‌توانند با وارد کردن پارامترهای آزمون مانند سطح معناداری، توان آزمون و اندازه اثر، حجم نمونه مورد نیاز برای مطالعه خود را به طور دقیق محاسبه کنند.

جدول ۲. شاخص‌ها و سنجه‌ها جهت بررسی معیارها

معیارها	شاخص‌ها	سنجه‌ها	منبع
کالبدی	تراکم	تراکم جمعیتی	بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۰ شهر شیراز
		تراکم خانوار	بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۰ شهر شیراز
	اختلاط کاربری	تراکم ساختمانی	بازنگری طرح تفصیلی سال ۱۳۹۳ شیراز
	دسترسی	آنتروپی اختلاط کاربری	بازنگری طرح تفصیلی سال ۱۳۹۳ شیراز
	فاصله تا ایستگاه حمل‌ونقل عمومی	Network Analysis Network Analysis	بازنگری طرح تفصیلی سال ۱۳۹۳ شیراز
تعاملات اجتماعی	مشارکت	مشارکت رسمی در حل مشکلات محله مشارکت غیررسمی در برنامه‌های محله اعتماد به ساکنان محله	پرسش‌نامه
	هویت محله‌ای	کنترل اجتماعی ارتباط با ساکنان محله همبستگی اجتماعی امنیت ادراکی فرد	پرسش‌نامه
	امنیت	تجربه وقوع جرم کنترل اجتماعی ناهنجاری	پرسش‌نامه
	تعامل با همسایگان	روابط با همسایگان اعتماد به ساکنان محله همبستگی اجتماعی	پرسش‌نامه

فضایی و ساختار شبکه ارتباطی متفاوت هستند و می‌توان به نتیجه موردنظر دست یافت. موقعیت مکانی این مناطق را در شکل ۲ خواهید دید.

در این تحقیق، تمامی مناطق یازده‌گانه کلانشهر شیراز به عنوان نمونه مطالعاتی در نظر گرفته شده است تا بتوان به یک دید کلی در رابطه با موضوع مورد بررسی دست یافت. این مناطق، دارای سازمان



شکل ۲. موقعیت مکانی مناطق یازده‌گانه شهرداری شیراز

شرح و تفسیر نتایج

متغیرهای وابسته و مستقل در مناطق یازده‌گانه شهرداری شیراز انجام دادیم تا در نهایت به نتیجه مورد نظر تحقیق دست یابیم. به جهت اینکه توزیع داده‌های تحقیق نرمال هستند، برای بررسی میانگین متغیرهای پژوهش از روش واریانس یک طرفه (Anova) استفاده کردیم. در ادامه جدول ۳ به بررسی این تحلیل روی شاخص‌های مورد مطالعه در پرسش‌نامه می‌پردازد.

در این پژوهش ابتدا به بررسی شاخص‌ها در محدوده‌های مورد مطالعه پرداخته‌ایم و در ادامه برای تشخیص اینکه میان میانگین شاخص‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها در مناطق مورد مطالعه دارای تفاوت معناداری هستند، از روش واریانس یک طرفه (Anova) استفاده کرده‌ایم. پس از آن نیز تحلیل همبستگی پیرسون را بر روی

جدول ۳. تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه میانگین شاخص‌ها در میان مناطق شهرداری شیراز

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	F	P
امنیت	۲/۷۶	۰/۵۸	۱/۸۵۵	۰/۰۵
هویت محله‌ای	۲/۲۱	۰/۷۶	۲/۰۶۶	۰/۰۲
تعامل با همسایگان	۲/۳۹	۰/۸۲	۱/۹۰۶	۰/۰۴
مشارکت	۱/۵۳	۰/۸۵	۲/۱۲۸	۰/۰۲

در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا میان متغیرهای پژوهش همبستگی وجود دارد یا خیر؟ در همین رابطه به این علت که متغیرها به صورت کمی هستند، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. بنابراین به بررسی همبستگی میان متغیرهای تعاملات اجتماعی و تکتک ساختار اصلی شهر در جدول ۴ می‌پردازیم:

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین تمامی شاخص‌های مورد بررسی تفاوت معناداری در مناطق یازده‌گانه شهرداری شیراز دارند. بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط کرد که ویژگی‌های منحصر به فرد مناطق شهرداری شیراز بر شاخص‌های تعاملات اجتماعی تأثیر گذارند.

جدول ۴. ضرایب همستگی، پیرسون، شاخص‌ها

متغیرهای ساختار							متغیرهای تعاملات اجتماعی	
کالبدی	امنیت	هویت محله‌ای	تعامل با همسایگان	مشارکت				
تراکم جمعیتی	—	—	۰/۶۳	۰/۰۳	۰/۶۶	۰/۰۲		
تراکم خانوار	۰/۴۴-	۰/۰۹	—	—	۰/۳۷	۰/۰۹		
تراکم ساختمانی	—	—	۰/۷۷	۰/۰۰۶	۰/۷۸	۰/۰۰۴		
اختلاط کاربری	۰/۰۶-	—	۰/۳۴-	—	۰/۳۶-	۰/۰۳-		
دسترسی آموزشی	۰/۶۸-	۰/۰۱	—	—	—	۰/۶۶-		
دسترسی درمانگاه	۰/۵۴	۰/۰۳	—	—	—	—		
دسترسی پارک محله‌ای	۰/۶۳-	۰/۰۸	—	—	—	—		
دسترسی تجاری	—	—	—	—	—	—		
دسترسی ایستگاه حمل‌ونقل عمومی	—	—	۰/۳۱	۰/۰۹	۰/۳۴	۰/۰۹		

ساکنان محلات کم‌تر می‌شود. و در آخر نیز میان دسترسی به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی با متغیرهای هویت محله‌ای و تعامل با همسایگان، همبستگی مثبت وجود دارد.

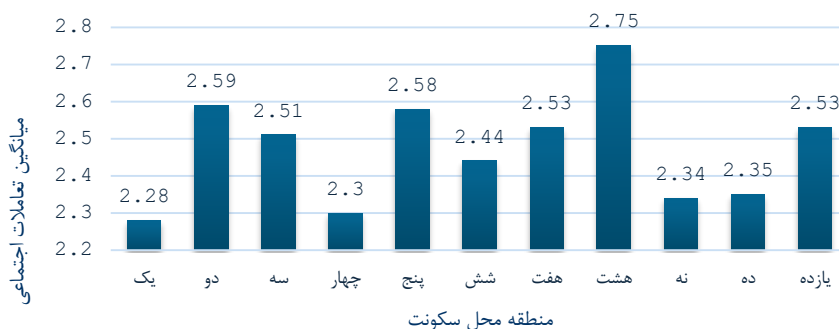
در نتیجه میزان تعاملات اجتماعی مناطق یازده گانه شهر شیراز را در جدول ۵ آورده ایم و به وسیله شکل ۲ این مناطق را با هم مقایسه کرده ایم.

جدول ۵. میانگین تعاملات اجتماعی در مناطق یازده گانه شهر شیراز

مناطق	میانگین	انحراف استاندارد
منطقه ۱	۲/۲۸	-/۴۱
منطقه ۲	۲/۵۹	-/۳۶
منطقه ۳	۲/۵۱	-/۵۵
منطقه ۴	۲/۳	-/۵۱
منطقه ۵	۲/۵۸	-/۵۸
منطقه ۶	۲/۴۴	-/۵
منطقه ۷	۲/۵۳	-/۴۵
منطقه ۸	۲/۷۵	-/۵۱
منطقه ۹	۲/۳۴	-/۵۸
منطقه ۱۰	۲/۳۵	-/۵۴
منطقه ۱۱	۲/۵۳	-/۴۵

همانطور که از جدول ۴ برمی‌آید، میان تراکم جمعیتی و تراکم ساختمانی با متغیرهای هویت محله‌ای و تعامل با همسایگان، همبستگی مثبت وجود دارد و با افزایش میزان تراکم جمعیتی، میزان هویت محله‌ای و تعامل همسایگان محلات مناطق یازده‌گانه شهر شیراز با یکدیگر بیشتر می‌شود. بررسی‌های آماری ما نشان می‌دهند که تراکم خانوار با امنیت و آسایش ساکنان محلات همبستگی منفی و با شاخص تعامل با همسایگان همبستگی مثبت دارد.

همبستگی خاصی میان اختلاط کاربری با تمامی متغیرهای تعاملات اجتماعی وجود ندارد و میزان معناداری قابل توجهی در بین شاخص اختلاط کاربری و شاخص‌های تعاملات اجتماعی وجود ندارد. همبستگی میان دسترسی به مراکز آموزشی محله‌ای و پارک محله‌ای با متغیر امنیت منفی است و میان دسترسی به درمانگاه‌ها با امنیت همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین میان دسترسی به مراکز آموزشی محله‌ای با میزان مشارکت همبستگی منفی وجود دارد و هرچه دسترسی به این مراکز محله‌ای افزایش یابد، میزان مشارکت



شکل ۲. مقایسه میانگین تعاملات اجتماعی در مناطق یازده گانه شهر شیراز

بحث و نتیجه گیری

در نتیجه بررسی ها و واکاوی های صورت گرفته به رابطه ای میان شاخص های ساختار کالبدی محلات مناطق یازده گانه شهر شیراز و تعاملات اجتماعی ساکنان آنها دست یافتیم که در ادامه به آن اشاره می شود. ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر تراکم (متشکل از تراکم جمعیتی، تراکم خانوار و تراکم ساختمانی) و میزان دسترسی به حمل و نقل عمومی، به ترتیب ۰/۳۱۵ و ۰/۲۲۶ محاسبه شده است و از آنجایی که ضریب همبستگی پیرسون باید عددی مابین +۱ و -۱ را نشان دهد تا به سطح معناداری رابطه رسیده باشیم، رابطه معناداری میان تعاملات اجتماعی با شاخص های تراکم و میزان دسترسی به حمل و نقل عمومی وجود دارد.

بنابراین موضوع که اگر ضریب همبستگی پیرسون مثبت باشد، رابطه مثبت و مستقیم خواهد بود و اگر ضریب همبستگی پیرسون منفی باشد، رابطه منفی و غیرمستقیم خواهد بود. با توجه به ضرایب به دست آمده، همبستگی مثبت بوده و این به معنای رابطه مستقیم این دو متغیر با تعاملات اجتماعی است و هرچه میزان تراکم (میانگین تراکم جمعیتی، تراکم خانوار و تراکم ساختمانی) و دسترسی به حمل و نقل عمومی بیشتر شود، میزان تعاملات اجتماعی میان ساکنان محلات یازده گانه کلان شهر شیراز نیز افزایش می یابد.

طبق محاسبات صورت گرفته بر روی ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای اختلاط کاربری و دسترسی (میانگین دسترسی به کاربری آموزشی، درمانگاه، پارک محله ای و تجاری) معنادار نبوده بنابراین رابطه معناداری بین متغیرهای اختلاط کاربری و دسترسی با تعاملات اجتماعی میان ساکنان محلات یازده گانه کلان شهر شیراز وجود ندارد. در مجموع در این مقاله همچنان که در مقالات و تحقیقات مشابه آورده شده است، دو عامل کالبدی تراکم و دسترسی به حمل و نقل عمومی را تأثیرگذار و افزایش دهنده میزان تعاملات اجتماعی در محلات شهری در نظر گرفته شده است اما با وجود اینکه دو عامل کالبدی

اختلاط کاربری و دسترسی در مطالعات مشابه به عنوان عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی محلات شهری نیز در نظر گرفته شده اند. در ادامه با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهای را در جهت بهبود تعاملات اجتماعی در مناطق مورد بررسی ارائه می شود:

۱. اعتمادسازی عمومی:

الف) ایجاد و افزایش میزان اعتماد ساکنین محلات به یکدیگر (اعتماد درون گروهی)

ب) ایجاد و افزایش میزان اعتماد شهروندان به نهادهای مسئول محلی و شهری (اعتماد برون گروهی)

پ) ایجاد اعتماد نهادهای مسئول محلی و شهری به رأی و نظر شهروندان و دخیل کردن نظر آنان در تصمیمات محلی و شهری.

۲. ارتقا ساختار کالبدی محلات شهری:

الف) شناسایی معضلات موجود در اجزا و قطعات محلی و سعی در برطرف نمودن آنان

ب) ایجاد فضاهای عمومی و فضاهای باز عمومی در محله و ارتقای کیفی و کالبدی آنها در جهت افزایش پیادهمداری

ث) ایجاد فرصت های برابر برای دسترسی و استفاده همه ساکنین از امکانات و خدمات محله ای

ج) بازنگری در نحوه چپش و استخوان بندی عرصه های همگانی و فضاهای عمومی

چ) توسعه خدمات درون محله و توزیع عادلانه و متناسب آنان در محله

د) ارتقا و افزایش میزان دسترسی ساکنین به ایستگاه های حمل و نقل عمومی.

۳. افزایش مشارکت مردمی:

الف) تقویت نقش نهادهای محلی و مردمی (ازجمله بسیج محله، مساجد محله ای، سازمان های مردم نهاد و ...)

ب) افزایش نظارت عمومی به روش های مختلف

ب) افزایش موقعیت‌های خاطره‌سازی در محلات در جهت افزایش حس تعلق ساکنین به محله خود
 پ) توجه و ترویج ارزش‌های فرهنگی - مذهبی در محلات
 ت) روشنگری ضرورت ارتقا تعاملات اجتماعی برای ساکنین محلات.

پ) ترغیب مردم به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی و شهری
 ت) جایگزین کردن نظام تصمیم‌گیری از بالا به پایین با نظام تصمیم‌سازی از پایین به بالا.

۴. توجه به هنجارها و ارزش‌های زندگی محله‌ای:

الف) تقویت و افزایش ایمنی و امنیت ساکنان محله

References

- Abbaszadeh, S., & Tamri, S. (1391). Investigating and analyzing the factors affecting the improvement of the spatial quality of sidewalks in order to increase the level of social interactions. *Journal of Urban Studies*. (In Persian).
- Abdollahi, M., Tavakolinia, J., & Sarafi, M. (2010). Theoretical study of the concept of neighborhood and its redefinition with emphasis on the conditions of urban neighborhoods in Iran. *Human geography research*, 82-103. (In Persian).
- Alimardani, M., Mahdinejad, J., & Afhami, T. (1395). Qualitative growth of urban space in order to enhance social interactions (Case study: Ahmadabad Street, Mashhad). *Two Quarterly Journals of Applied Arts*, 5-14. (In Persian).
- Al-Saaidy, H. (2019). Measuring urban form and urban life four case studies in Baghdad, Iraq. *Department of Architecture of Strathclyde*.
- Atak, S. (2020). The Impact of Urban Form on Urban Vitality: Comparative Analysis of Two Cases in Yenikale Neighborhood. *Izmir Institute of Technology*.
- Baghernejad, E., Zebardast, E., & Azizi, M. (1399). Explaining the indicators, qualities of urban form and their spatial distribution at the level of neighborhoods in Tehran metropolis. *Architecture and Urban Planning Letter*, 5-22. (In Persian).
- Barton, H., Grant, M., & Guise, R. (2003). Shaping Neighbourhoods: For Local Health and Global Sustainability. *Sociology, Political Science*.
- Bazargan, M., Rahnema, M., & Shokouhi, M. (1402). The impact of urban form on the occurrence of theft crimes in the metropolis of Mashhad. *Studies of urban structure and function*, 217-242.
- Berkman, L., Glass, T., Brissette, I., & Seeman, T. (2000). From social integration to health: Durkheim in the new millenium. *Social Science & Medicine*, 843 - 857.
- Brown, S. C., & Lombard, J. (2014). Neighborhoods and Social Interaction. In *Wellbeing and the Environment: Wellbeing: A Complete Reference Guide* (pp. 91 - 118). John Wiley & Sons.
- Cataldi, G. (2003). From Muratori to Caniggia: The origins and development of the Italian school of design typology. *Urban Morphology*, 19-34.
- Conzen, M. (2004). Thinking about urban form : papers on urban morphology, 1932-1998. *History*.
- Delmelle, E., Haslauer, E., & Prinz, T. (2013). Social Satisfaction, Commuting and Neighborhoods. *Transport Geography*, 110 - 116.
- Ghanbaran, A., & Jafari, M. (1393). Investigating factors affecting the promotion of social interactions among residents of a residential neighborhood (Case study: Darakeh neighborhood - Tehran). *Scientific research journal of the Iranian Scientific Association of Architecture and Urban Planning*, 57-64. (In Persian).
- Gholami, M., & Hayati, A. (1392). Investigating the Effect of Physical Identity on Social Cohesion: Case Study: Evin Neighborhood, Tehran. *Applied research in geographical sciences*, 131-150. (In Persian).
- Hasanpour, A., Omidvari, S., & Sadr Arhami, M. (1397). Investigating factors affecting the promotion of social interactions in urban spaces (Case study: Jolfa Square - Isfahan). *Architectural Journal*. (In Persian).
- Hatami nejad, H., Manouchehri Miandoab, A., Baharloo, I., Ebrahimpour, A., &

- Hataminejad, H. (1391). City and Social Justice: An Analysis of Neighborhood Inequalities (Case Study: Old Neighborhoods of Miandoab City). *Human geography research*, 41-63. (In Persian).
- Hosseini, S., & Soltani, M. (1397). Comparative analysis of the concept of neighborhood in the traditional system of Iranian cities with similar (alternative) models of the contemporary period. *Bagh Nazar Monthly Magazine*, 15-28. (In Persian).
- Jose A, S. (2008). Social interaction. *The new palgrave dictionary of economics*.
- Kashanijo, K. (1389). Recognizing theoretical approaches to urban public spaces. *City Identity Magazine*, 95-106. (In Persian).
- kropf, k. (2014). Ambiguity in the definition of built form. *Urban Morphology*, 41-57.
- Lotfi, S., Golmakani, A., Hosseinpour, M., & Shole, M. (1393). Developing an urban design framework for Mulla Sadra Street in Shiraz with an approach to increasing social interactions. *Modern Urban Management Magazine*, 49-76. (In Persian).
- Mehri, F., & Davoodpour, Z. (1398). Using spatial layout theory to reduce socio-spatial isolation in urban neighborhoods. *Human geography research*, 357-371. (In Persian).
- Mohammadi, S., & Alian, A. (1398). The Physical Structure of the Neighborhood in Iranian-Islamic Cities. *Shabak Specialized Scientific Journal*. (In Persian).
- Molavi, M., Hamidi, A., Faridi Fashtami, A., & Ariyapasand, Z. (2021). Investigating the role of urban sidewalks in improving urban vitality indicators and social interactions (Case study: Rasht Center Sidewalk). *Research in the geography of urban planning*, 881-908. (In Persian).
- Moudon, A. (1994). Getting to know the built landscape: typomorphology. *Type and the Ordering of Space*.
- Moudon, A. (1997). Urban morphology as an emerging interdisciplinary field. *Urban Morphology*, 3-10.
- Moztarzadeh, H., & Hojati, V. (1392). Explaining the concept of neighborhood and its shaping elements in the context of traditional Iranian neighborhoods. *Art Month Book*, 72-81. (In Persian).
- Nabipour Gisi, M. (1395). Correlation between identity and social interactions (Case study: Design of the Raz viewpoint in Bandar Abbas). *Faculty of Architecture and Urban Planning, Payam Noor University, Bandar Abbas*. (In Persian).
- Paknahad, H., & Pajohanfar, M. (1396). Improving spatial quality patterns of urban parks to increase social interactions of citizens. Case study: Gorgan city parks. *Golestan University Scientific Research Quarterly*, 183-197. (In Persian).
- Pfeiffer, D., & Cloutier, S. (2016). Planning for Happy Neighborhoods. *The American Planning Association*.
- Sadri, A., Bankian Tabrizi, A., & Refaee Afshar Ghezelbash, S. (1398). The impact of pedestrians on increasing social interactions in urban spaces in Bojnourd (Case study: Taleghani Street, Shahid Square to Telecommunications). *Journal of Applied Research and Geographic Sciences*, 81-102. (In Persian).
- Sajadzadeh, H., & Mohammadi, F. (1394). The role of environmental quality in promoting social interactions on urban streets (Case study: Imam Khomeini Street, Amol). *Quarterly Journal of Urban and Regional Development Planning*, 145-172. (In Persian).
- Samvati, S. (1392). Designing urban public space to promote social interactions (Case study: Aghajani Beig neighborhood in the central fabric of Hamadan city). *Faculty of Architecture and Urban Planning, Imam Khomeini International University (RA)*. (In Persian).
- Whitehand, J., Samuels, I., & Conzen, M. (2009). Conzen, M.R.G. 1960: Alnwick, Northumberland: A study in town-plan analysis. Institute of British Geographers Publication 27. London: George Philip. *Progress in Human Geography - PROG HUM GEOGR*, 859-864.